

# دو خط موازی:

## اعتماد بنفس، اعتماد به حق



می‌دهد. آن کس که کانون قلبش لبریز از ایمان است اتکاء به خداوندی دارد که تدبیر کلیه امور در دست قدرت بی‌انتهای او است، و در هیچ کاری شریک و نیاز ندارد.

قرآن مجید می‌فرماید:

«دری که او از رحمت به‌روی مردم می‌گشاید هیچ کس نتواند بست و آن‌را که او ببندد هیچ کس جز او نتواند رها کند و او است خدای بی‌همتای با حکمت و اقتدار.» (۱)

بشر به کجا می‌تواند پناهنده شود که از حیطة قدرت و نفوذ پروردگار بیرون باشد؟ پناه بردن به غیر خدا نتیجه‌ای جز ذلت و زبونی و پستی نخواهد داشت، مخلوق ناتوانی که خود در هر چیز نیازمند

وقتی سخن از اعتماد به نفس به میان می‌آید نه تنها منافاتی با اعتماد به خداوند ندارد، بلکه اتکاء به پروردگار جهان و استمداد از نیروی لایزال الهی به قدرت نفس و بسط شخصیت می‌انجامد؛ انسان با ایمان، با این که از سرمایه اعتماد به نفس و استقلال شخصیت برخوردار است؛ و از همه امکاناتی که در اختیارش قرار گرفته بطور دقیق و کامل بهره‌برداری می‌کند. در همین حال هرگز روح خود را تنها در میان علل و عوامل عادی محصور نمی‌سازد، لذا انسانیتش در همین جا متوقف نمی‌گردد؛ بلکه عرصه اوج و پرواز، همچنان به‌روی او باز و شعاع عملش بسیار وسیع و دامنه‌دار است؛ و بخشی از نشاط روحی و فعالیتش را به هدف‌های عالی زندگی اختصاص

(۱) ما یفتح الله للناس من رحمته فلأمسک لها وما یسک فلأمسک له من بعده وهو العزیز الحکیم .

عوامل مخرب وافکار منحط جوامع خود در عین نامساعد بودن شرائط، از اتکاء به حقیقت نامحدود مایه می‌گرفت؛ و برای اجرای برنامه‌های خود از همین عامل نامرئی یاری می‌جستند و چون روحشان به نیروی لایزال الهی پیوندی ناگسستی داشت؛ نبرد را تا مرحله پیروزی نهائی با قاطعیت هر چه تمامتر، دنبال می‌کردند.

توجه به چگونگی وضع روحیه مسلمین صدر اسلام که بهترین سمبل و نمونه، از لحاظ اعتماد به خداوند بودند؛ این موضوع را به اثبات می‌رساند؛ هرگز نمی‌توان عجز و سستی و حالت منفی وی بی‌تفاوتی را به کسانی نسبت داد که فداکاری و جهاد بی‌امان در راه پیشرفت عقیده و تلاش بسوی هدف؛ و همچنین جنبش و فعالیت دائم به منظور ساختن يك جامعه نوین و سعادت مند در شرایط سخت و توانفرسا، شیوه آنها بود.

آنهائی که در این مکتب پر تحرک پرورش یافتند، هیچگاه حالت عدم اعتماد بر وجودشان چیره نگشت و همین اراده استوار توأم با آرامش بود که راه پیشرفت را برویشان گشود، و چنان اجتماع بی‌نظیر و یگانه‌ای در تاریخ پدید آمد.

اما دشواریها و عوامل نامساعد؛ روح کسی را که از اتکاء به خداوند عاری است؛ و شعاع دیدش از مرز مادیات تجاوز نمی‌کند، درهم می‌شکند؛ اتکاء به نفس منهای اتکاء به خدا هنگام هجوم مشکلات نمی‌تواند روح آدمی را از اضطراب نجات بخشد، و چه بسا، از کوچکترین حادثه‌ای

خداوند است؛ چگونه می‌تواند صاحب امر سایرین گردد؟ بنابراین برای انسان زینده‌تر از زیستن در کنف حمایت و لطف الهی نیست زیرا در اقیانوس طوفانی و پر حوادث زندگی بهترین وسیله نجات - بخشی است؛ که می‌توان به آغوش آن پناه برد.

اتکاء به آفریدگار هرگز به ضعف و ناتوانی و بی‌تفاوتی منجر نخواهد گشت؛ بلکه خود اعتمادی است که قدرت اراده را نیرومندتر و هراقدامی را حتی در سخت‌ترین لحظات با جرأت و شهامت کم‌نظیری توأم می‌سازد؛ و ریشه هرگونه تردید و وسواس را برمی‌کند؛ در سختی و آسایش؛ فروتن و خاضع بودن در برابر خداوند و اعتقاد راسخ به این حقیقت که فوق تمام قدرت‌ها و علل و عوامل عادی، قدرت نامحدود الهی حاکم و فرمانرواست؛ اثر شگفتی را بجان می‌بخشد؛ و در ضمیر و قلب آدمی اطمینان آرام بخشی را پدید می‌آورد که در برابر هیچ رویدادی وزن و ارزش خود را از دست نمیدهد.

وقتی انسان جان و ادراکش را به حق واگذار کرد تا آنجا که ظرفیت دارد در وحش از قبول اطاعت و تسلیم به خداوند؛ سرشار می‌گردد؛ دیگر نه ناله‌اش از حوادث ناگوار بلند می‌شود، و نه از کامیابیها سرمست و مغرور می‌گردد، تمام اموری که برای دیگران ایجاد ترس و خود باختگی می‌کند در او اثر نامطلوبی نخواهد بخشید؛ و هیچگاه تسلیم یأس و نومیدی که منشأ بسیاری از شکست‌ها است، نخواهد گردید.

مبارزات بی‌گیر مردان الهی در ادوار تاریخ با

پیشگاه خداوندی ارزش و بهائی ندارد؛ و جز رسیدن به همان هدف محدود و ناچیز مورد نظرش؛ سودی عایدوی نخواهد گشت .

کسانی که از اعتماد به نفس برخوردارند و بر عمل خویش تکیه می کنند ، نیازی به خود نمائی و تظاهر در خود احساس نخواهند کرد، خود نمائی روش آنهایی است که فاقد عمل و اعتمادند و از يك بیماری روانی رنج می برند .

یشوای اهل اخلاص «علی(ع)» در مورد این اشخاص می فرماید: «لِسَانُ الْمُرَائِي جَمِيلٌ وَفِي قَلْبِهِ دَاءٌ دَخِيلٌ» زبان شخص خود نما و متظاهر شیرین است در حالی که در ضمیرش بیماری عمیقی وجود دارد (۱)

«الْأَفْتِيحُ مَنْ صَغَرَ الْأَقْدَارُ - به خود نازیدن و بالیدن نشانه پستی قدر و منزلت و بی ارزشی آدمی است» (۲)

\* \* \*

در روانشناسی جدید به این حقیقت تصریح شده و «شاختر» چنین می گوید:

«وسیله دیگری که در عین ناکامی و عدم موفقیت برای جلب توجه دیگران بکار می بریم؛ لاف زدن و از خود تعریف کردن است . کار می را که دلمان می خواست انجام داده و موفقیت هائی را که آرزو داشتیم بدست آورده باشیم ، انجام شده می پنداریم و به خود نسبت می دهیم؛ یا بجای موفقیت هائی که بدست نیآورده رگانه های مهمی که انجام نداده ایم؛ خود را به این قانع می کنیم که همواره از کارهائی

که خلاف میلش اتفاق افتد دچار رنجی گران شود؛ و به آسانی از یاد آید .

\* \* \*

### عمل را با چه مقیاسی باید سنجید ؟

از سوی دیگر اسلام به انگیزه های درونی و اصلی که محرک رفتار انسانها می شوند ، نظری اصیل مبدول داشته ؛ و کارها را بر محور «نیت» استوار ساخته است، و بر همین اساس ثابت و معین، درجه ارزش و پذیرش اعمال مشخص می گردد؛ عاملی که اساساً سبب ترفیع درجات و قبولی عمل می شود ، همان هدف پاک و شرافتمندانه ای است که جلب حشود ذات اقدس پروردگار در آن ملحوظ گردد؛ بهترین نشانه استواری ایمان به خدا ، دارا بودن نیت روحانی انسان است ؛ در این صورت عمل از ارزش و مزیت خاصی برخوردار می شود، و شخص در همه حال مورد حمایت و لطف بیکران الهی قرار می گیرد؛ این ملاک ارزنده و محکم از محدوده عمل و تحمل و درك و احساس انسان بیرون نیست، کسی که اشعه عظمت خداوند بسر جانش تابش نکرده و دلش از اخلاص و ایمان بی شائبه تهی است؛ انگیزه ای که وی را به انجام کارها و امیداردممکن است شهرتی ناپایدار و یابك تمایل نفسانی بسا شد؛ چنین کسی عملش را خالی از روح و حقیقت آغاز می کند؛ و سپس به پایان می رساند، تا مثلاً او را به دیده احترام بنگرند و صاحب فضائل پاک انسانیش بدانند همین مقصد بی ارزش ، سبب مردود شدن و واپس زدگی کردار او خواهد شد؛ متاع آلوده چرب فردی در

(۱) و (۲) غرر الحکم ص ۱۶۰-۱۶۰

و موفناً شنوندگان را فریب می‌دهد، سرانجام درد اصلی را دوا نخواهد کرد، آنکه می‌تواند کار صحیح انجام بدهد و موفق باشد و با رفتار و گفتار پسنديده، خود را در دل ديگران بنشانند به لاف زدن و خودستائی کردن نیاز ندارد، و عوض لاف و گزاف به سعی و عمل می‌پردازد» (۳)

که انجام داده‌ایم صحبت کنیم و آنها را هر اندازه ناچیز باشد در نظر بزرگ جلوه بدهیم، اینگونه اشخاص چنان گول و گزاف خود را می‌خورند، و خود را به دروغ راضی و خشنود می‌کنند که فرصت هرگونه سعی و موفقیتی از دستشان می‌رود؛ اما اگر از خود تعریف کردن و لاف زدن گوینده؛ هر چند او را از رنج عدم موفقیت و طرف توجه نبودن، آسوده می‌کند؛

(۳) - رشد شخصیت ص ۹۲

بقیه از صفحه ۳۷

را در مسائل سیاسی و امور به مربوط حکومت اسلامی باز بگذارد و مسلمانان، آگاه گردند که پس از غروب خورشید رسالت در امور سیاسی و حکومتی باید به علی مراجعه کنند، پس از پیامبر اسلام برای این امور مردی شایسته تراز علی نیست زیرا آشکارا دیدند یگانه کسی که از طرف خدا برای رفع امان از مشرکان مکه که از شتون حکومت است منصوب گردید همان علی (ع) بود.

که به مقررات آن کاملاً عمل نموده‌اند احترام بگذارد؛ تا مدت پیمان سپری گردد.

بنابراین اگر نقض پیمانی نیز نسبت به پیمان شکنان در کار بود کاملاً جنبه فرعی داشت هدف اصلی این بود که موضوع بت پرستی کاملاً امر غیر قانونی و جرم نابخشودنی، اعلام گردد.

اگر بخواهیم در این حادثه تاریخی، بی طرفانه داورى کنیم؛ باید بگوئیم پیامبر اسلام از همان دوران حیات خود، می‌خواهد دست علی (ع)

## يك سرمايه بزرگ

امیر مؤمنان علی (ع) فرمود :

مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَا بَاً ثُمَّ افْتَقَرَ فَاَبْعَدَهُ اللهُ

: هر کس که زمین و آب در اختیار داشته باشد، با این حال تهیدست

و درمانده گردد، از رحمت خدا دور است.

(بحار الانوار ج ۲۳ ص ۱۹)